

قانون مجازات عمومی

مشدده و مجازات چنین قاتلی غیر قابل تخفیف و مطلقاً اعدام باشد معاونین و شرکاء قاتل از کیفیات مزبوره نصیب نخواهند داشت هم چنین است وجود کیفیات مشدده درباره کسیکه در عمل منافعی عفت با طرف خود دارای سمت مخصوص و خویش نزدیک بوده ولی شرکاء او نسبت بشخص اخیر اجنبی باشند بدیهی است این شرکاء از کیفیات نامبرده بهره مند نخواهند بود بهر حال اگر کیفیات مشدده را نسبت بعموم مجرمین

ممکن التائیر بدانیم سبب آن نیست که مطلقاً در هر جرم و نسبت بفر دفر مجرمین تاثیر لازم و حتمی داشته باشد همچنین عوامل مزبور همیشه موجب تغییر در ماهیت جرم نمی شوند بلکه گاه منحصرأ باعث تشدید مجازات هستند

پس بنابر آنچه که گفته شد و از مجموع افکار و اندیشه های دانشمندان بشرح پیش و با در نظر گرفتن اصول قوانین جزائی راجع بتکرار جرم میتوانیم تعریف ذیل را برای آن قائل شویم :

« تکرار جرم عبارت از وضعیت کیستکه مرتکب جرم « عادی (جنحه مهم یا جنایت) شده و بر اثر آن بحکم قطعی « و لازم الاجراء کشوری محکوم و پس از آن باز در ظرف « مدت مقرری در قلمرو همان کشور بجرم دیگری از جنحه « مهم و جنایت دست زده و مجرمیت او در این باب ثابت و « مسلم شده باشد . »

قانون مجازات عمومی ایران گر چه واقع شدن جرم قبلی و بعدی یا محکومیت مجرم را در داخله کشور قید نکرده ولی از آنجا که بموجب اصول مسلمة و کلی در قوانین جزائی حالت قانون در داخله کشور معجز و مسلم است تصریح باین موضوع مورد لزوم نبوده و تعریف تکرار جرم بشرح زیر در ماده ۲۴ بعمل آمده :

حال اگر بر فرض در بین هزاران دسته از مجرمین افرادی یافت شدند که در واقع پشیمان و شایسته ترحم بودند بوسیله استدعای عفو یا از مجاری قانونی دیگر میتوان در مجازات آنها تعلیق یا تخفیف قائل بعلاوه این قبیل مجرمین در همان مرحله محکومیت از تخفیف قضائی (کیفیات مخفیه) بهره مند می شوند .

تکرار جرم

تکرار جرم بنظر بعضی از علماء جزء کیفیات مشدده محسوب نشده و خود حالت مخصوصی را که با شخص مجرم وابستگی کامل دارد ایجاد می کند که مربوط بوضعیت شخصی و عوامل داخلی و منحصر بخود مجرم است .

بعقیده آنها تکرار جرم سبب تشدید مجازات و علت آن بوده و فقط در میزان مجازات آنهم در حق فرد مخصوص بسته بوضعیت جزائی شخص او مؤثر است بنابراین در صورت وجود چند شریک که یکی از آنها مرتکب تکرار جرم شده باشد وضعیت مزبور سبب تشدید مجازات دیگران نخواهد شد و مخصوص بهمان جرمی است که قوانین تکرار درباره او صادق است - برخلاف کیفیات مشدده که گاه موجب تغییر در ماهیت جرم بوده و درباره عموم شرکاء مؤثر واقع می شود .

لکن اگر خوب بنگریم و در عین تصدیق باینکه تکرار جرم وضعیت مخصوص و منحصر باشخاص معینی را ایجاد و در باره همه مجرمین صادق نیست باز هم در حقیقت از کیفیات مشدده محسوب است چه کیفیات نامبرده بر حسب تعریف عبارت از عواملی هستند که سبب تشدید مجازات میشوند بدون این که تعمیم آنها درباره فرد فرد مجرمین شرط حتمی و لازم باشد مثلاً اگر فرض کنیم پدر کشتن جزء کیفیات

ماده ۲۴: در مورد جرائم عمومی حکم تکرار جرم درباره اشخاص ذیل جاری است اعم از اینکه محکمه حاکمه عمومی باشد یا اختصاصی.

۱ - کسیکه بحکم لازم الاجراء محکوم بجزای جنائی شده و در ظرف ده سال از تاریخ اتمام مدت مجازات مجدداً مرتکب جنحه مهم و یا جنایت گردد اعم از اینکه حکم سابق اجرا شده یا نشده باشد.

۲ - کسیکه بحکم لازم الاجراء محکوم بحبس تأدیبی بیش از دو ماه شده و در ظرف پنج سال از تاریخ اتمام مدت مجازات مرتکب جنحه مهم یا جنایت گردد خواه حکم سابق اجرا شده یا نشده باشد.

از مراجعه بتعریف فوق وتوجه بماده ۲۴ سه شرط اساسی ومهم برای تحقق تکرار لازم است:

۱ - جرم قبلی و بعدی عمومی بوده و از حیث نوع جنحه مهم و جنایت باشد،

۲ - هر دو در داخله کشور واقع و در هر حال بحکم قطعی و لازم الاجراء ثابت شده باشد.

۳ - جرم دوم در مدت معینی پس از ثبوت جرم اول واقع شود.

۱ - جرم قبلی و بعدی عمومی و از نوع جنایت یا جنحه مهم باشد - مقصود از جرم عمومی عملی است که بموجب قانون مجازات جرم شناخته شود خواه مرجع صلاحیت و رسیدگی بان محاکم عمومی باشد یا اختصاصی - پس بشرح این توجیه جرائم سیاسی و نظامی که دارای جنبه جرم عمومی نباشد در تکرار جرم مؤثر نمیباشند.

دلیل آنهم واضح و مسلم است چه جرائم مزبوره دارای معایب و خطرات و موجبات اختلال در حقوق فردی نمیشوند جرم سیاسی ناشی از احساسات وافکار وسیر تکاملی و تغییراتی است که در تربیت اجتماعی و پرورش روحی وفکری جامعه پیدا میشود - و کلیه عوامل مزبوره بر حسب اقتضای زمان و محیط در حال تغییر و تحول اند مثلاً عملی که امروز بسندیده و مجاز است در اثر همان تحولات ممکن است چندی بعد نگوئیده و زشت باشد یا بر خلاف عملی که بر اثر مقتضیات و مصالح عمومی و امنیت اجتماعی ممنوع و جرم است در ایام

بعد و بر رفع آن مقتضیات و بصلاح دید و تشخیص قوه مسئوله کشور مباح و آزاد باشد بنابراین نمیتوان چنین اعمال را که گناه جرم و زمان دیگر عادی است در باره اشخاص مؤثر در تکرار جرم بدانیم اینستکه قانون مجازات عمومی هم در تعریف ماده ۲۴ وهم در ماده مخصوص دیگری (۲۶) صریحاً آنها را استثنا کرده.

ماده ۲۶ احکام تکرار جرم درباره اشخاصیکه بواسطه ارتکاب جرم سیاسی محکوم شده اند جاری نخواهد شد.

هم چنین است در جرائم نظامی که گرچه قانون مجازات عمومی ایران ساکت و بعضی از این سکوت واستثناء صریح جرائم سیاسی نتیجه مخالف گرفته و جرم نظامی را در تکرار مؤثر میدانند.

اسکن با توجه بقسمت اول ماده ۲۴ و این جمله که:

در مورد جرائم عمومی احکام تکرار جاری است «اعم

از اینکه محکمه حاکمه عمومی باشد یا اختصاصی» چنین

بر میآید که جرم نظامی یعنی عملی که فقط از نظر سربازی

و انضباط امور نظامی جرم شناخته می شود در تکرار مؤثر

نبوده و منحصرأ محکومیت هائی که بر اثر جرم عادی بمرجع

نظامی مراجعه شده و یا محکومیت عملی که جزء جرائم عمومی

محبوب گردد در این مورد حساب شدنی است.

بعضی از قوانین صریحاً نیز در جرائم نظامی صحبت

کرده اند:

مثلاً قانون محاکمات نظامی در فرانسه باین مطلب

اشاره و گوید جرم نظامی وقتی مؤثر در تکرار است که عمل

شخص بموجب قوانین عادی و عمومی هم جرم شناخته شود.

پس شرط اصلی در تکرار جرم عمومی بودن آنست

و در بین جرائم عادی نیز صرف ارتکاب باز موجب احتساب

آن در تکرار نمیشود چه بعضی مرتکبین دارای مسئولیت

جزائی نبوده و بنابراین محکوم بمجازات عادی نمیشوند و از

این قاعده مستثنی هستند مثل اشخاص دیوانه و اطفال غیر ممیز

درباره سایرین هم که حکم محکومیت لازم است باز هر

محکومیت جزائی مؤثر در تکرار نیست مثلاً اطفال بین ۱۳

و ۱۸ سال که قوه تمیزشان ناقص است محکومیتشان در این

مورد حساب نمیشود -